

شناخت جنبه‌های مختلف اثر بخشی مالیات در اقتصاد ایران

آذرخش صبری بقایی*

نازی محمدزاده اصل**

وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و وجود انحصارات و رانت‌های ناشی از آن در بخش‌های مختلف اقتصادی، باعث شده‌است تا مالیات‌ها همواره سهم اندکی از درآمدهای دولت را تشکیل دهند. به طوری که بر مبنای یک مقایسه تطبیقی بین بیست و دو کشور منتخب، ساختار مالیاتی ایران با توجه به شاخص‌های انتخاب شده، نامناسب‌ترین شاخص بوده‌است. به همین علت در این تحقیق، سعی شده‌است تا با شناخت انواع درآمدهای مالیاتی و جایگاه هر یک در اقتصاد ایران از گذشته تا امروز، مقایسه وضعیت درآمدهای مالیاتی در ایران با سایر کشورهای جهان و در نهایت، بررسی اثرات متقابل درآمدهای مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصاد (با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی) کالبدشناسی مناسبی از وضعیت نظام مالیاتی ایران صورت پذیرد.

به دلیل عدم وجود بسترهای مناسب برای توسعه و گسترش بخش خصوصی در فعالیت‌های سودآور و مولد، مالیات‌ها بخش کوچکی از درآمد دولت را شامل شده و هیچ‌گاه

* - آذرخش صبری بقایی: کارشناس ارشد اقتصاد، پژوهشگر آزاد.

** - نازی محمدزاده اصل: کارشناس ارشد اقتصاد، پژوهشگر آزاد.

به طور جدی به سیستم مالیاتی و راه‌های مناسب و بهینه اخذ آن نگاه نشده است. بدین ترتیب، همواره مالیات یک منبع دست‌چندم تامین درآمد برای دولت بوده است. همچنین بر مبنای نتایج این تحقیق به نظر می‌رسد که مالیات‌ها به شدت تحت‌تاثیر سیستم مالیاتی و درآمد مالیاتی در دو سال اول قرار می‌گیرند که اثر آن در سال سوم کاملاً خنثی می‌شود و پس از آن تولید ناخالص ملی، واردات، تغییرات جمعیتی و هزینه‌های کل و مصرفی در دوره‌های بلندمدت اثرگذاری به نسبت ماندگارتری را از خود نشان می‌دهند و می‌توانند درآمدهای مالیاتی را تحت‌تأثیر قرار دهند.

کلید واژه‌ها:

ایران، مالیات، بررسی مقایسه‌ای، توسعه اقتصادی، نظام مالیاتی، مدیریت اقتصادی، اقتصاد

مقدمه

در هر نظام اقتصادی، مالیات یکی از مهم‌ترین ارکان آن نظام، تلقی می‌گردد. گسترش و تنوع فعالیت‌های اقتصادی از یک سو و نقش رو به افزایش دولت‌ها، از سوی دیگر، در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تامین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسئله‌ای مهم و تاثیرگذار تبدیل کرده است. دولت‌ها با استفاده از این ابزار، توانایی تامین بخش قابل توجهی از هزینه‌های مختلف خود را به دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی قادر خواهند بود که منابع در اختیار را براساس اولویت‌های مورد نظر تخصیص دهند. همین‌طور برنامه‌ریزان اقتصادی بر مبنای درآمدهای قابل کسب - از طریق به کارگیری این ابزار - می‌توانند ارزیابی موثری نسبت به سطح قابل تصور منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری‌های آینده به عمل آورند.

در ایران، واقعیت‌های آماری نشان می‌دهد که طی ۴۰ سال گذشته درآمدهای مالیاتی کمتر از ۳۰ درصد کل درآمدهای دولت را تشکیل داده و علی‌رغم افزایش میزان خالص آن به قیمت ثابت (۱۳۶۹) که از ۴۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۲ به حدود ۳۱۳۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ رسیده است اما هنوز در سطحی نیست که بتواند دست‌کم نیمی از هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد. این درآمد در مقایسه با درآمد مالیاتی سایر کشورهای در حال توسعه سهم ناچیزی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد. این نکات حاکی از ناکارآمدی سیستم مالیاتی، شیوه‌های نامناسب اخذ آن، نبود فرهنگ مالیاتی و ضعف‌های سیاستی، مدیریتی و اجرایی مناسب می‌باشد. با نگاه اجمالی به روند درآمدهای مالیاتی، می‌توان دریافت که برنامه‌ریزی برای آن قبل از آنکه از توجیه اقتصادی برخوردار باشد، زاینده شرایط سیاسی، قیمت نفت و مدیریت لحظه‌ای در اقتصاد ایران است.

به منظور شناخت ساختار و سیستم مالیاتی در ایران، این مقاله سه مبحث

عمده را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد:

شناخت انواع درآمدهای مالیاتی و جایگاه هر یک در اقتصاد ایران از گذشته تا امروز؛ مقایسه وضعیت درآمدهای مالیاتی در ایران با سایر کشورهای جهان؛ و بررسی اثرات متقابل درآمدهای مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصاد با به کارگیری روش‌های اقتصادسنجی.

ساختار درآمدهای مالیاتی در ایران

وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی از صادرات نفت خام و وجود انحصارات و رانت‌های ناشی از آن در بخش‌های مختلف اقتصاد، باعث شده‌است تا مالیات‌ها، همواره سهم اندکی از درآمدهای دولت را تشکیل دهند. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد درآمدهای دولت متاثر از فروش نفت خام یا سایر درآمدهایی بوده که آنها نیز به طریقی به درآمدهای نفت وابسته بوده‌است. جدول شماره (۱) منابع مالی مورد استفاده دولت، طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۷۷ را با فواصل زمانی ۵ ساله و ۲ سال بعد را نشان می‌دهد.

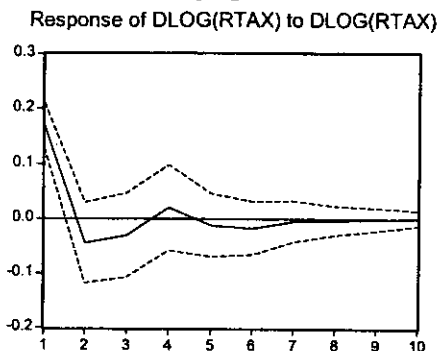
جدول ۱- منابع مالی، مورد استفاده دولت در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۴۲ (میلیارد ریال)

سال	درآمد نفت و گز	درآمدهای مالیاتی	سایر درآمدهای دولت	کل درآمدهای عمومی دولت	درآمدهای اختصاصی	کل درآمدهای عمومی و اختصاصی	سایر منابع تامین اعتبار	برگشتی تامین اعتبار	وام خارجی	استقراض از بانک مرکزی توسط دولت	کل منابع در دسترس دولت
۱۳۴۲	۲۸	۲۱	۱۰	۵۸	۰	۵۸	۶	۰	۰	۶	۶۴
۱۳۴۷	۶۲	۶۱	۲۴	۱۳۵	۹	۱۴۴	۱۱	۰	۰	۱۱	۱۵۶
۱۳۵۲	۳۱۱/۳	۱۳۱/۲	۲۳	۴۶۵	۲۰	۴۸۵	۴۱	۰	۰	۴۱	۵۲۶
۱۳۵۷	۱۰۱۳	۴۶۶	۲۲۰	۱۶۹۹	۱۳۸	۱۸۳۷	۴۲۳	۰	۲	۴۲۲	۲۲۶۰
۱۳۶۲	۱۷۸۵/۱	۷۱۶/۵	۲۱۸	۲۷۹۴	۲۲۳	۳۰۱۷	۹۶۰	۲۴۹	۰	۷۱۱	۳۷۷۷
۱۳۶۷	۸۰۹/۴	۹۸۶/۵	۲۴۵	۲۰۹۹	۴۱۵	۲۵۱۴	۲۱۹۳	۱۲۲	۰	۲۰۷۲	۴۷۰۷
۱۳۷۲	۱۲۶۸۳/۲	۴۰۶۱/۴	۱۶۱۳	۲۰۳۵۹	۱۷۶۵	۲۲۱۲۴	۹۳۲۱	۲۰۱	۰	۹۱۱۹	۳۱۴۴۵
۱۳۷۷	۱۶۵۹۸	۱۸۷۷۵	۱۷۴۸۲/۳	۶۴۳۵۹	۸۹۳۱/۱	۷۳۲۹۰/۱	۶۰۲۱/۹	۴۷۹	۶۶۲۶	—	۸۰۴۰۵/۳
۱۳۷۸	۲۱۱۳۷	۲۲۵۶۸	۳۱۳۳۰	۹۶۹۵۳	۱۲۱۲۶/۴	۱۰۹۰۹۹/۴	۱۲۷۱۹/۸	۶۰۰	۰	—	۱۰۹۶۹۹/۵
۱۳۷۹	۲۰۱۲۵	۲۲۸۸۸	۲۰۱۳۰/۸	۱۰۹۴۵۵	۱۵۵۵۷/۷	۱۲۵۰۱۲/۷	۱۱۵۵	۹۳۰	۰	—	۱۲۵۹۵۲/۷

ساختار: ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - سال‌های مختلف

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سهم درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سهم مجموع درآمدهای نفت و گاز و سایر درآمدها از کل درآمدهای عمومی دولت همواره بخش کوچکتری از هزینه‌های دولت را پوشش داده‌است. به منظور مشخص‌تر شدن بهتر مسئله به نمودار شماره (۱) مراجعه شود. این نمودار نشان می‌دهد که سهم سه منبع درآمدی نفت، مالیات‌ها و سایر منابع درآمدی در تامین هزینه‌های دولت چگونه است. عملکرد نظام مالیاتی کشور حاکی از آن است که قبل از افزایش سهم درآمدهای نفتی در ترکیب درآمدهای عمومی دولت، درآمدهای مالیاتی، بخش عمده‌ای از دریافت‌های دولت را تشکیل می‌داده‌است. ولی با افزایش بهای نفت در سال ۱۳۵۳، رشد سریع درآمدهای مالیاتی در کل درآمدهای عمومی، روندی نزولی را آغاز کرد و از ۳۶/۲ درصد در سال ۱۳۴۲ به ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۵۳ کاهش یافت. در این دوره مالیات‌ها تنها ۳۰ درصد از هزینه‌های جاری دولت را پوشش می‌دهند. در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب، سهم درآمدهای نفتی در کل درآمدهای عمومی دولت به دلایل کاهش بهای نفت، محاصره اقتصادی و محدودیت سهمیه تولید اوپک، با کاهش مواجه شد و در مقابل، سهم درآمدهای مالیاتی افزایش یافت. به‌طوری که در سال ۱۳۶۷، درآمدهای مالیاتی از رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۷/۵ درصد برخوردار بود و سهم آن در درآمدهای عمومی دولت به ۴۷ درصد رسید. پس از خاتمه جنگ و آغاز برنامه اول، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - که در درون خود، برنامه تعدیل اقتصادی را به همراه داشت - از یک سو، و افزایش نسبی تولید و صادرات نفت از سوی دیگر، باعث شد تا شاهد افت ناگهانی درآمدهای مالیاتی تا سهم ۱۹/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ باشیم. این روند کاهشی تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت. از آن سال به بعد، سهم مالیاتی، دوباره رو به افزایش گذاشت و بخش بزرگتری از هزینه‌های دولت را پوشش داد. به‌طوری که در سال ۱۳۷۹، مالیات‌ها با سهم ۳۰/۸ درصدی از کل درآمدهای عمومی دولت، توانسته‌است ۴۰ درصد از هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد.

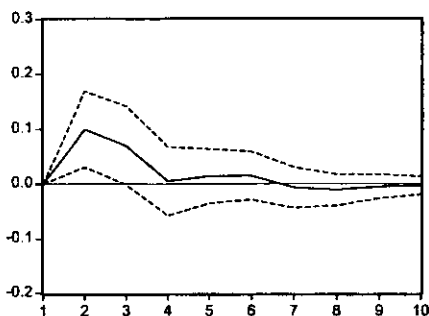
نمودار ۱



نمودار شماره (۲) درآمدهای مالیاتی را به قیمت‌های جاری و ثابت نشان می‌دهد. اگرچه در سال‌های گذشته، به ویژه در سال‌های اخیر، حجم جاری درآمدهای مالیاتی به سرعت افزایش یافته، اما بررسی آن به قیمت‌های ثابت دیدگاه مناسب‌تری را در اختیار قرار می‌دهد و می‌توان تفسیر صحیح‌تری از چگونگی دریافت درآمدهای مالیاتی ارائه داد. براساس نمودار مشخص می‌شود که طی سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۷۸، میزان مالیات به قیمت ثابت، روندی کم و بیش افزایشی داشته و از رقمی در حدود ۴۳۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۲، به رقمی در حدود ۳۴۶۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ و ۳۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ رسیده است. در یک مقایسه درصدی ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال ۱۳۵۶، ۶۲/۷ درصد کاهش در درآمدی مالیاتی داشته‌ایم که نشان‌دهنده وضعیت نابسامان اقتصادی، در دوران بعد از جنگ و ناکارآمدی شدید سیستم مالیاتی در این زمان است. پس از آن با ارائه و اجرای دو برنامه توسعه اقتصادی کشور - که جهت‌گیری آن به سمت قطع وابستگی از درآمدهای نفتی و بهبود کارایی سیستم مالیاتی بوده است - شاهد بهبود روند درآمدهای مالیاتی با سیری صعودی ولی با شتابی اندک هستیم.

نمودار ۲

Response of DLOG(RTAX) to DLOG(GDPR)



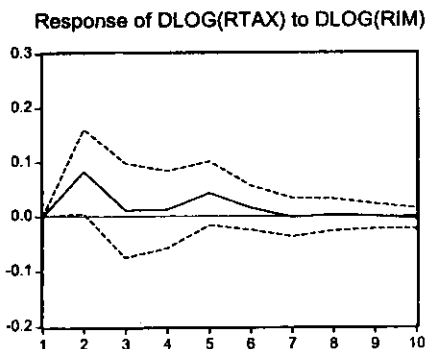
بررسی اقلام عمده مالیاتی در ایران

«مالیات بر شرکت‌ها»، «مالیات بر درآمد و حقوق» و «مالیات بر ثروت» مالیات‌های مستقیم، «مالیات بر واردات» و «مالیات بر مصرف و فروش»، گروه مالیات‌های غیرمستقیم را تشکیل می‌دهد.

مالیات بر شرکت‌ها

در بین انواع مالیات‌ها، مالیات بر شرکت‌ها به جز چند سال محدود، در بقیه سال‌ها، بیشترین سهم در بین مالیات‌های مستقیم و کل درآمدهای مالیاتی را داشته‌است. در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۰ سهم مالیات بر شرکت‌ها از کل درآمدهای مالیاتی، روند صعودی داشته و از ۱۸/۴۵ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۳۷/۶۱ درصد در سال ۱۳۵۵ رسیده‌است؛ پس از آن در سال ۱۳۶۰ به رقم ۴۱/۰۴ درصد افزایش پیدا کرد و بالاخره سهم مزبور پس از طی نوساناتی در سال ۱۳۷۴، به بیشترین مقدار خود یعنی ۶۹/۸ درصد می‌رسد و سرانجام در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۹، حدوداً ۵۴ درصد درآمدهای مالیاتی را شامل می‌شود. (نمودار شماره ۳)

نمودار ۳



آمار ثبت شده در مورد مالیات بر شرکت‌های دولتی و غیردولتی، مشخص می‌کند که تا سال ۱۳۶۳، مالیات بر شرکت‌های دولتی، سهم عمده را در مالیات بر شرکت‌ها داشته‌است، اما از سال مزبور با فعال تر شدن بخش غیردولتی، سهم مالیات بر شرکت‌های غیردولتی افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۱۳۷۴، بیش از ۶۸ درصد از کل مالیات بر شرکت‌ها، از مالیات بر شرکت‌های غیردولتی اخذ شده‌است.

تعیین نرخ‌های این نوع مالیات، نسبت به میزان سرمایه و سود شرکت‌ها در نوسان است و به واسطه فعالیت‌ها و بخشودگی‌ها تغییر می‌یابد. جمع درآمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف به دست می‌آید، پس از کسر ده درصد به عنوان مالیات بر شرکت‌ها به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم، مشمول مالیات تصاعدی می‌گردد. به علت وجود نرخ‌های تصاعدی متفاوت بر شرکت‌های تولیدی، فشار مالیاتی موجود یکسان نبوده و به علت نارسایی مستقیم اجرایی، بعضی از شرکت‌ها از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. فرار مالیاتی برای شرکت‌هایی که به فعالیت‌های خدماتی و بازرگانی اشتغال دارند بسیار ساده‌تر از تولیدکنندگان است، چرا که تولیدکنندگان، تولیدات و قیمت‌های نسبی بسیار روشن‌تری، از بنگاه‌های تجاری و خدماتی دارند، در نتیجه امکان پنهان شدن این بنگاه‌ها کمتر است.

در سال‌های اخیر، برای حمایت از تولیدکنندگان، مواردی در قانون مالیات مستقیم، مطرح شده‌است. که می‌گوید: واحدهای تولیدی و معدنی که پروانه بهره‌برداری آنها توسط وزارت خانه‌های صنایع، صنایع سنگین، معادن و فلزات و جهاد سازندگی صادر شده‌است، از تاریخ بهره‌برداری، چهار تا هشت سال از پرداخت مالیات معاف شده‌اند که در صورتی که واحدهای مزبور در مناطق محروم باشند، معافیت مزبور به میزان ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. همچنین مراکز فرهنگی و هنری که دارای پروانه فعالیت با تاسیس از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند، از تاریخ شروع فعالیت برای مدت ۵ سال (در صورت استقرار در مناطق محروم به مدت ۸ سال) از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. ضمن اینکه صد در صد درآمدهای شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش‌آموزان و اتحادیه‌های آنها، از پرداخت مالیات معاف گردیده‌اند.

مالیات بر درآمد

مالیات بر درآمد، مشتمل بر مالیات بر حقوق کارکنان بخش‌های عمومی و خصوصی، مالیات بر مشاغل و نیز مالیات بر مستغلات و املاک می‌باشد. سهم مالیات بر درآمد از کل درآمدهای مالیاتی، با نوسانات شدیدی همراه بوده‌است. این سهم از ۱۱/۱ درصد در سال ۱۳۵۴، به ۱۹/۶۳ درصد در سال ۱۳۵۸ - اولین سال پس از انقلاب - رسیده‌است. سپس با یک روند نزولی تا سال ۱۳۶۳، سهم آن به زیر ۱۲ درصد سقوط می‌کند. از این سال به بعد - تا سال ۱۳۶۸ - سهم مالیات با میانگین ۱۶ درصد، حرکتی صعودی دارد و در سال ۱۳۷۴، به سهم ۲۵ درصد می‌رسد. از آن پس دگر باره شاهد کاهش آن تا سال ۱۳۷۶ با سهم حدود ۱۳ درصد هستیم. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ حرکت صعودی آن شتاب گرفته و سهم آن به ۳۳/۵ درصد می‌رسد. در آخرین سال مورد بررسی (۱۳۷۹) این سهم دوباره سقوط کرده‌است. آمار منتشر شده در مورد مالیات بر درآمد نشان می‌دهد مالیات بر درآمد در

سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۵۰، عمدتاً روندی افزایشی داشته‌است. به‌طور گسترده سهم بزرگی از مالیات بر درآمد را، مالیات بر حقوق تشکیل می‌دهد. در دوره ۱۳۵۰-۵۷ سهم مالیات بر حقوق، کمتر از ۶۰ درصد بوده‌است. بعد از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۳، بیش از ۷۰ درصد و در سال‌هایی نیز، بیش از ۸۰ درصد کل مالیات بر درآمد را تشکیل می‌دهد. از سال ۱۳۶۶ به بعد تا ۱۳۷۳، به دلیل تغییر به‌وجود آمده در نرخ‌های مالیاتی و روش وصول مالیات بر مشاغل، سهم این‌گونه مالیات، اندکی از سهم مالیات بر حقوق پیشی گرفت. از دیگر اقلام مالیات بر درآمد، مالیات بر درآمد املاک (مستغلات) می‌باشد که سهم آن در سال‌های یاد شده، معمولاً کمتر از ۱۰ درصد بوده‌است. (نمودار شماره ۳)

مالیات بر ثروت

مالیات بر ثروت مشتمل بر مالیات بر درآمد انفاقی، مالیات بر ارث، مالیات بر نقل و انتقالات و سرقفلی، مالیات بر تعاون، مالیات سالانه املاک و مالیات بر مستغلات مسکونی خالی می‌باشد. به‌طوری که نمودار شماره (۳) نشان می‌دهد سهم مالیات بر ثروت از کل درآمدهای مالیاتی، در سال‌های اولیه مورد بررسی همراه با نوساناتی اندک، سیر نزولی داشته‌است. این روند در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۵ وجود دارد. به‌طوری که با سهم ۲/۳۷ درصد در سال ۵۷ به کمترین رقم خود می‌رسد. در سال‌های پس از آن، بعد از طی فراز و نشیب‌هایی، با سیری صعودی در سال ۱۳۷۴، به ۱۰/۱۸ درصد - بالاترین میزان خود - می‌رسد که سهم بالایی برای مالیات بر ثروت محسوب می‌شود. پس از آن دوباره شاهد سیر نزولی آن هستیم و بالاخره سهم آن در سال‌های اخیر به میانگین ۵/۶۸ درصد رسیده‌است.

طبق بررسی فوق، مشخص می‌شود مالیات بر ثروت در بین انواع مالیات‌های مستقیم، یعنی مالیات بر درآمد و شرکت سهم کمتری را به خود اختصاص داده‌است و تامین درآمدهای مالیاتی اهمیت کمتری دارد. علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته - به

منظور متنوع ساختن این نوع مالیات از جمله طرح مالیات تعاون ملی و افزودن آن بر مجموعه مالیات بر ثروت از سال ۱۳۶۸، مالیات بر ثروت جایگاه شایان توجهی در درآمدهای مالیاتی ندارد.

مالیات بر واردات

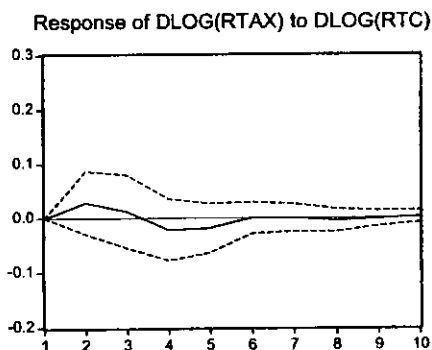
مالیات بر واردات به منظور حمایت از تولیدات داخلی و جلوگیری از ورود کالاهای غیرضروری و تجملی، کسب درآمد برای دولت و در نتیجه تخصیص بهینه منابع بر واردات اعمال می‌گردد. سهل الوصول بودن این نوع مالیات انگیزه وصول آن را تقویت می‌کند.

حقوق گمرکی، سود بازرگانی، حقوق گمرکی و سود بازرگانی واردات وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی، عواید جایگزین دروازه‌ای، صدی سی ارزش اتومبیل‌های وارداتی، حق ثبت سفارش کالا، کارمزد ثبت سفارشات، از اجزای عمده این نوع مالیات محسوب می‌شوند.

طبق نمودار شماره (۴) مشاهده می‌شود که سهم مالیات بر واردات از درآمدهای مالیاتی در سال‌های بیش از انقلاب اسلامی، بیش از ۴۰ درصد بوده است. به عنوان مثال؛ سهم مزبور در سال ۱۳۵۲، ۴۶/۲۵ درصد بوده است، اما در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب روند آن کاملاً روندی نزولی داشته است. این سهم در سال ۱۳۵۸ به کمتر از ۲۷ درصد کاهش یافت و دلایل کاهش آن نیز، کاملاً مشخص می‌باشد. بعد از انقلاب اسلامی با توجه به کاهش درآمدهای ارزی، تغییر نگرش مصرف‌کنندگان در عدم خرید محصولات خارجی، آغاز جنگ و وجود تحریم‌های تجاری، تعطیلی بسیاری از کارخانه‌ها و تنها ورود کالاهای استراتژیک سهم مالیات بر واردات از درآمدهای مالیاتی کاهش یافت به طوری که روند کاهشی همچنان در سال‌های بعد ادامه یافت و در سال ۱۳۶۷، به کمترین سطح خود یعنی ۱۴/۷ درصد رسیده است. با پایان جنگ، شروع به کار واحدهای تولیدی و کاهش تحریم‌های تجاری، بار دیگر

شاهد افزایش سهم آن طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲ - تا بیش از ۳۰ درصد - می‌باشیم. از سال ۱۳۷۲ به بعد، با شکست سیاست‌های تعدیل و گسترش ضوابط سخت‌گیرانه‌ی دولت - مبنی بر کاهش واردات - سهم مالیات بر واردات، روندی نزولی پیدا می‌کند. در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ بار دیگر این سهم اندکی افزایش می‌یابد و در دو سال بعدی بار دیگر روندی کاهشی به خود می‌گیرد. در سال ۱۳۷۹ این سهم در حول و حوش ۲۰ درصد است.

نمودار ۴



مالیات بر مصرف و فروش

مالیات بر مصرف و فروش به ارقامی مانند فروش فرآورده‌های نفتی، فروش فرآورده‌های الکلی - صنعتی، فروش نوشابه‌های غیرالکلی، اتومبیل، صدی پانزده ارزش اتومبیل‌های تولید داخل، نوار ضبط صوت و تصویر، فروش سیگار، نقل و انتقالات، اتومبیل، حق اشتراک تلفن‌های خودکار، فروش خاویار، حق تمبر، چک برات، سفته، عوارض گذرنامه و غیره تعلق می‌گیرد.

نمودار ۴ سهم مالیات بر مصرف از کل درآمدهای مالیاتی را نمایش می‌دهد. سهم مالیات بر مصرف از درآمدهای مالیاتی از سال ۱۳۵۰ تا پیش از انقلاب روندی کاهشی داشته است و از سال ۱۳۵۸ به بعد تا سال ۱۳۶۴، سهم آن دایم افزایش یافته

و در سال ۱۳۶۴ نیز، سهم آن ۲۲/۲۸ درصد می‌رسد. از آن پس سیر نزولی آن آغاز می‌شود که با شدت زیادی در سال ۱۳۷۵ با سهم ۵/۱۹ درصد به کمترین مقدارش در این دوره رسیده‌است و سرانجام دوباره با روند افزایشی به ۱۸/۳۷ درصد و ۱۶/۲۷ درصد به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ رسیده‌است.

بررسی سهم مالیات بر مصرف از درآمدهای مالیاتی در سری زمانی ۱۳۷۹-۱۳۵۰، نمایانگر این مطلب است که مالیات بر مصرف و فروش در ایران شکل کلی نداشته‌است. با نگاهی به اقلام عمده تشکیل‌دهنده این نوع مالیات، مشخص می‌شود مالیات بر مصرف، همواره بنابر مقتضیات زمانی بر کالاهایی خاص وضع شده‌است. در دوره ۱۳۵۰-۵۸ مالیات بر فروش فرآورده‌های نفتی، دارای بالاترین سهم در مالیات‌های مصرف و فروش را به خود اختصاص داده‌است. سهم مزبور در سال ۱۳۵۸، ۸۴ درصد می‌باشد و در سال‌های پس از آن با شروع ناامنی‌های ناشی از جنگ و تحریم‌های اقتصادی و به تبع آن کاهش تولید و فروش فرآورده‌های نفتی سهم این نوع مالیات روندی کاهشی پیدا کرده‌است. بعد از جنگ نیز براساس سیاست‌های دولت مبنی بر عدم اخذ مالیات بر محصولات صادراتی، این سیر نزولی همچنان ادامه دارد. از آغاز اخذ مالیات بر فروش سیگار در سال ۱۳۵۹، سهم این نوع مالیات تا سال ۱۳۶۵ تقریباً دارای روندی افزایشی بود و در آن سال به حدود ۶۰ درصد رسیده‌است. از آن پس، سهم مالیات بر فروش سیگار با یک روندی کاهشی به کمتر از ۱۰ رسیده‌است. سهم مالیات بر نوشابه‌های غیرالکلی تا سال ۱۳۶۰، بسیار ناچیز بود و از سال ۱۳۶۱ روند افزایشی داشت و سرانجام با نوسان‌های نه چندان شایان توجه در سال ۱۳۷۳ به ۱۲ درصد رسید. از دیگر اقلام مالیات بر مصرف - که از سال ۱۳۷۰ اخذ می‌گردد - و رشد شایان توجهی داشته‌است، مالیات بر حق تمبر، چک، برات، سفته، اوراق بهادار، سهام شرکت‌ها و بارنامه زمینی است. سهم این مجموعه مالیاتی، با عنوان مالیات بر حق تمبر در سال ۱۳۷۳، به ۲۲ درصد رسید که دارای بیشترین سهم در میان اقلام تشکیل‌دهنده مالیات بر مصرف بوده‌است.

مقایسه شاخص‌های مالیاتی ایران با کشورهای منتخب

بدون شک یکی از موثرترین شیوه‌های بررسی سیستم مالیاتی، ارزیابی شاخص‌های مناسب در این مورد و مقایسه آن با سایر کشورهای دنیا می‌باشد، جدول شماره ۲ برای سال ۱۹۹۵ ساختار مالیاتی ۲۳ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود متأسفانه در بین کشورهای منتخب، ساختار مالیاتی ایران با توجه به شاخص‌های انتخاب شده، نامناسب‌ترین کشور می‌باشد. نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمد برای کشورهای در حال توسعه بیش از ۸۰ درصد و برای بعضی از کشورهای توسعه‌یافته، بیش از ۹۰ درصد می‌باشد. در ایران میانگین این نسبت طی سال‌های ۶۸-۷۹ معادل ۲۸/۱ درصد بوده‌است. معنی این نسبت آن است که اکثر درآمدهای کشور یا درآمدهای ناشی از انتقال است - مانند فروش نفت و یا اقتصاد زیرزمینی و وجود انحصارات، اجازه ورود سیستم مالیاتی را در لایه‌هایی از اقتصاد نمی‌دهد.

شاخص دیگر، نسبت مالیات مستقیم به کل درآمدهای مالیاتی است که به نوعی نشان‌دهنده توان دولت در شناخت مودیان مالیاتی و شکل‌گیری ساختار و سیستم مطمئن و مناسب مالیاتی در یک کشور است که درآمدهای مالیاتی را در بودجه‌ریزی تضمین می‌کند. این نسبت برای کشورهای که از ثبات و گستردگی فعالیت‌های اقتصادی بالاتری برخوردارند، بیش از ۶۰ درصد است. به همین دلیل برای کشورهایمانند ایران، ترکیه، مکزیک، پاکستان و سریلانکا این نسبت پایین، و برای کشورهایمانند آمریکا، انگلستان، آلمان و هلند، این نسبت بالا است. ستون بعدی سهم درآمدهای مالیاتی از کل هزینه‌های دولت را نشان می‌دهد. این نسبت بیان می‌کند که درآمدهای مالیاتی تا چه اندازه توان تامین هزینه‌های جاری را دارد. ایران در بین ۲۲ کشور دیگر با سهم ۳۳/۴ درصد پایین‌ترین نسبت را دارا می‌باشد. در مورد بسیاری از کشورها این نسبت حتی بیش از ۱۰۰ درصد است که نشان‌دهنده

ظرفیت‌های بالفعل مالیاتی در این کشورهاست.

شاخص بعدی به وضوح ظرفیت بالقوه یا توان مالیاتی یک کشور را نشان می‌دهد. این شاخص معرف سهمی از تولید ناخالص داخلی است که از طریق مالیات‌ها به بودجه عمومی دولت اختصاص می‌یابد و در این میان، عواملی مانند نبود ساختار مناسب مالیاتی، نبود فرهنگ ملی در پرداخت مالیات، وجود نوسانات زیاد در درآمد ملی و وابستگی آن به درآمدهای نفتی، نبود خواست سیاسی قاطع در تصویب و اجرای قوانین مالیاتی، وجود نرخ تورم بالا و معافیت‌های مالیاتی، به‌عنوان مهم‌ترین علل پایین بودن این نسبت مطرح است.

جدول ۲- مقایسه بین‌المللی شاخص‌های منتخب مالیاتی، ۱۹۹۵ (درصد)

نام کشور	نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدها (درصد)	نسبت مالیات مستقیم به کل درآمد مالیاتی (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه‌های جاری (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی (درصد)
آرژانتین	۸۶/۵	۷۸/۰	۹۲/۹	۹/۴
برزیل	۶۰/۸	۷۴/۸	۵۱/۷	۱۷/۰
مصر	۵۵/۰	۷۸/۶	۷۵/۶	۲۱/۹
هند	۷۰/۹	۵۷/۴	۶۵/۵	۱۰/۲
اندونزی	۹۱/۴	۶۳/۷	۱۸۳/۷	۱۴/۱
کویت	۴/۲	۶۳/۷	۱۸۳/۷	۱۴/۱
کره جنوبی	۸۴/۸	۶۱/۵	۱۱۳/۴	۱۷/۰
مالزی	۷۴/۳	۷۰/۰	۱۰۵/۳	۲۱/۴
مکزیک	۹۲/۳	۳۹/۳	۸۶/۹	۱۳/۰
مراکش	۸۸/۸	۵۴/۷	۱۱۰/۲	۲۵/۳
پاکستان	۶۹/۶	۲۵/۸	۶۴/۱	۱۳/۳
سريلانكا	۷۹/۸	۳۹/۵	۷۴/۳	۱۶/۳
تایلند	۹۰/۰	۵۷/۱	۱۲۴/۳	۱۷/۳
ترکیه	۷۸/۲	۵۳/۹	۷۱/۳	۱۷/۴
ونزوئلا	۷۸/۳	۷۳/۱	۹۱/۰	۱۵/۴
ایران	۲۲/۶	۵۸/۱	۳۳/۴	۵/۱
استرالیا	۸۶/۳	۷۶/۲	۷۸/۶	۲۱/۸
هلند	۹۲/۰	۷۶/۴	۸۸/۳	۴۴/۳
آلمان	۹۳/۱	۷۳/۸	۹۲/۸	۲۸/۸
سوئد	۸۰/۵	۵۶/۸	۶۳/۰	۳۱/۳
آمریکا	۵۹/۸	۹۵/۹	۹۰/۰	۲۰/۰
انگلستان	۹۰/۴	۶۳/۹	۷۹/۸	۳۱/۷

بر پایه بررسی انجام شده و استفاده از آخرین اطلاعات در دسترس قادر خواهیم بود تا به شکل جزیی تری سیستم مالیاتی کشورمان را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم. برای این منظور از یک طبقه‌بندی کلی استفاده شده است که کشورهای جهان را به دو گروه بزرگ توسعه یافته^۱ و در حال توسعه^۲ تقسیم می‌کند.

جدول ۳- مقایسه بین‌المللی مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت، مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش ۱۹۹۶

گروه کشورهای	کل درآمدی مالیات	مالیات‌های مستقیم	تولید ناخالص داخلی
مالیات بر شرکت‌ها به			
در حال توسعه	۵۲/۲	۶۱/۰	۵/۴
توسعه یافته	۲۰/۸	۲۵/۴	۷/۸
ایران	۲۶/۴	۲۶/۲	۱/۸
مالیات بر درآمد به			
در حال توسعه	۲۲/۸	۴۲/۶	۴/۴
توسعه یافته	۲۹/۰	۵۶/۱	۱۱/۵
ایران	۱۶/۹	۲۹/۲	-/۹
مالیات بر ثروت به			
در حال توسعه	۲/۷	۸/۲	-/۴
توسعه یافته	۳/۳	۷/۳	۱/۱
ایران	۵/۱	۸/۶	-/۴
مالیات بر واردات به			
در حال توسعه	۱۶/۳	۳۷/۰	۲/۱
توسعه یافته	۱/۰	۹/۰	-/۲
ایران	۲۸/۶	۷۸/۶	۲/۳
مالیات بر مصرف و فروش به			
در حال توسعه	۳۱/۱	۶۳/۰	۵/۷
توسعه یافته	۲۸/۵	۸۹/۲	۷/۲
ایران	۶/۴	۲۱/۵	-/۳

منبع: Government Finance Statistics, IMF, 1996.

در جدول شماره ۳، این بررسی صورت گرفته است. مقایسه سهم مالیات بر

۱- شامل کشورهای استرالیا، هلند، آلمان، سوئد، آمریکا و انگلستان

۲- شامل کشورهای آرژانتین، برزیل، مصر، هند، اندونزی، کویت، کره جنوبی، مائزی، مکزیک، مراکش، پاکستان، سریلانکا، نایبند، ترکیه و ونزوئلا

شرکت‌ها نسبت به کل درآمدهای مالیات، مالیات‌های مستقیم و تولید ناخالص داخلی، نشان‌دهنده فاصله قابل توجه ایران با دو گروه دیگر است. ملاحظه می‌شود که کشورهای در حال توسعه سهم قابل توجهی از درآمد مالیاتی خود را از مالیات بر شرکت‌ها به دست می‌آورند و این سهم از تولید ناخالص داخلی نیز قابل توجه است.

برای مالیات بر درآمد نیز این اختلاف بیشتر است که نشان‌دهنده عدم وجود سیستم مناسب و کارآمد مالیاتی در جمع‌آوری و شناخت مودیان مالیاتی است.

در مورد مالیات بر ثروت - از نقطه نظر تامین و جمع‌آوری - درآمدهای ایران، سهم بالایی دارد اما، از نظر سهم در تولید به تولید ناخالص داخلی، نسبت مذکور در کشورهای توسعه یافته ۱/۱ برآورده شده است که از این نظر ایران در سطح پایین‌تری قرار گرفته است و در کشورهای در حال توسعه، این نسبت ۰/۴ است که از این نظر با ایران هم‌سطح می‌باشد. در یک مقایسه اجمالی از مالیات بر واردات در ایران، با دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، مشاهده می‌شود سهم مالیات بر واردات در ایران، نسبت به کل درآمدهای مالیاتی، مالیات‌های غیرمستقیم و تولید ناخالص داخلی؛ با توجه به وابستگی تولیدات داخلی به کالاهای وارداتی، حجم واردات بالا، عدم وجود جانشین‌های مناسب برای گسترش پایه مالیاتی و در کنار آن عضویت کشورهای نام‌برده در سازمان تجارت جهانی - در مقایسه با دیگر کشورها - بالا است. و اما در مقایسه با دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، با توجه به کوچک بودن پایه مالیاتی و مالیات بر مصرف و فروش در ایران مشاهده می‌گردد که این نسبت در مقایسه با کل درآمدهای مالیاتی، مالیات‌های غیرمستقیم و تولید ناخالص داخلی ناچیز است.

بررسی اثرات درآمدهای مالیاتی بر شاخص‌های کلان اقتصادی

به منظور شناسایی و بررسی اثرات متقابل درآمدهای مالیاتی بر شاخص‌های کلان اقتصادی، دو مرحله در این تحقیق در نظر قرار گرفته است. در مرحله اول؛ برای شناسایی متغیرهای مهم و تاثیرگذار بر انواع درآمدهای مالیاتی، رگرسیون‌های OLS

متفاوتی تخمین زده شده است تا بتوان اصلی ترین و مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر انواع مالیات‌ها را شناسایی کرد. سپس با در نظر گرفتن این عوامل و اشتراک بعضی از آنها که متغیرهای کاملاً شناخته شده‌ای از بعد تئوریک نیز هستند، مدل VAR قادر است، با تبیین یک تابع مناسب، نتایج دلخواه از نحوه اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصاد و ارتباط دو طرفه آنها را بررسی نماید.^۱

بنابراین با توجه به تقسیم‌بندی کل درآمدهای مالیاتی به دو نوع مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، برای استخراج شکل تابعی VAR، هر یک از مالیات‌های تشکیل دهنده کل درآمد مالیاتی را مدنظر قرار می‌دهیم و با استناد به مبانی نظری استخراج شده از نتایج آزمون OLS، خواهیم داشت:

کل درآمدهای مالیاتی = مالیات بر درآمد + مالیات بر ثروت + مالیات بر واردات + مالیات بر شرکت‌ها +

مالیات بر مصرف و فروش

(تولید ناخالص داخلی) F = مالیات بر شرکت‌ها

(تغییرات جمعیتی و تولید ناخالص داخلی) F = مالیات بر ثروت

(تولید ناخالص داخلی) F = مالیات بر درآمد

(هزینه‌های مصرفی) F = مالیات بر مصرف و فروش

(حجم واردات) F = مالیات بر واردات

بر این اساس می‌توان گفت که کل مالیات‌ها، تابعی از پایه‌های مالیاتی عوامل

تشکیل دهنده کل درآمد مالیاتی می‌باشد.

(... و حجم واردات، هزینه‌های مصرفی، جمعیت، تولید ناخالص ملی) F = مالیات

بررسی داده‌ها

به منظور استفاده از داده‌ها در مدل، باید آزمون مانایی آنها را مدنظر قرار دهیم.

۱- محبت تخمین مدل‌های OLS در تحقیق اصلی به شکل مشروح آمده است و در اینجا فقط از نتایج آن استفاده می‌شود. این نتایج بیانگر آن است که عواملی مانند: تولید ناخالص ملی، میزان واردات، هزینه‌های مصرفی و تغییرات جمعیت به عنوان مهم‌ترین عناصر در شکل‌گیری روند مالیات‌ها می‌باشند.

کلیه متغیرها نشان می‌دهد که ریشه واحد^۱ نبوده و لذا باید با استفاده از تفاضل مرتبه اول آنها، بررسی شوند. اطلاعات به کار رفته در مدل عبارت است از:

RTAX: کل درآمدهای مالیات

RTC: هزینه‌های مصرفی

RIM: حجم دلاری واردات به کشور

GDPR: تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل

جدول ۴- نتایج آزمون دیکی فولر برای متغیرها و تفاضل آنها

متغیر	ADF-Test	متغیر با یک تفاضل	ADF-Test
RTC	-۰/۲۶۷	D(RTC)	-۲/۳۸۶
GDPR	-۰/۹۰۶	D(GDPR)	-۳/۱۳۶
RTAX	-۲/۰۹۳	D(RTAX)	-۴/۸۷۵
RIM	-۲/۳۳۵	DRIM	-۲/۴۸۸

ارزش‌های بحرانی برای متغیر در سطوح ۱٪ و ۵٪ و ۱۰٪ به ترتیب -۳/۶۲۹، -۲/۷۴۹ و -۶/۱۱- و برای تفاضل مرتبه اول متغیر به ترتیب برای همین سطوح -۳/۶۳۵، -۲/۹۴۹ و -۲/۶۱۳- می‌تند.

در جدول شماره ۴، داده‌های اصلی و تفاضل آنها که با آزمون (دیکی فولر) تست مانایی شده‌اند ارائه می‌شود. اطلاعات به کار گرفته در مدل سری زمانی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۷۸ را در برمی‌گیرد و داده‌ها به صورت لگاریتم تفاضل مرتبه اول به قیمت‌های واقعی سال ۱۳۶۱ است.

مدل خودهمبستگی برداری که در اینجا تصریح می‌شود، یک VAR ساده است و با توجه به نتایج حاصل از واکنش‌های متغیرها نسبت به شوک‌های وارده و سهم هر یک در تاثیرگذاری بر میزان درآمدهای مالیاتی، مدلی خواهیم داشت که تا حد زیادی شفاف‌کننده تاثیرپذیری سیستم مالیاتی از متغیرهای کلان اقتصادی است.

نکته قابل توجه اینکه در این معادله چون متغیرها به صورت واقعی وارد مدل شده است، می توان نقش تغییرات در سطح عمومی قیمت ها را نیز مدنظر قرار داد. مدل به کار رفته شامل متغیرهای تفاضل رتبه اول لگاریتمی کل درآمد مالیاتی، واردات کالاها، تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل، هزینه های مصرفی و جمعیت می باشد. آماره های آزمون Akaik AIC و Schwarz SC نشان می دهند که بهترین طول وقفه برای تصریح این مدل، وقفه دو دوره ای می باشد. از نقطه نظر تجربی و شرایط اقتصاد ایران نیز، این طول وقفه به نظر مناسب می رسد چرا که تاکید ما در اینجا اثرات شوک های بخش های کلان اقتصادی و واکنش درآمدهای مالیاتی نسبت به آنهاست و باتوجه به اینکه شرایط اقتصادی در ایران به شدت در طول هر دوره دستخوش تحولات مختلف سیاستگذاری، اقتصادی و اجتماعی و همچنین درآمدهای نفتی است؛ سیستم مالیاتی، مودیان مالیاتی و درآمد مالیاتی نیز تحت تاثیر آن قرار می گیرد. بدین ترتیب، تا زمانی که سیستم مالیاتی عکس العمل مناسبی از خود نشان دهد، وقفه ای ایجاد می گردد. گذشتن وقفه سوم «در این مدل» در اثرات شوک، ایجاد ریشه های موهومی کرده و مناسب به نظر نمی رسد و لذا شوک مناسب برای آرایه تعدیلات و اثرات واقعی آن، دو وقفه می باشد.

تخمین مدل و تفسیر نتایج آن

بدین منظور با استفاده از تجزیه واریانس خطای پیش بینی^۱ بین شوک های وارده به هر یک از سری ها، سهم بی ثباتی هر متغیر در مقابل شوک وارده به هر متغیر الگو تعیین می گردد. با استفاده از این شیوه، قادر خواهیم بود اثر هر متغیر را بر روی متغیرهای دیگر در طول زمان اندازه گیری نماییم. روش دوم توابع عکس العمل آنی واکنش ضربه ای^۲ است که به نوع دیگر، پویایی اثرات متقابل بین سری ها را نشان

1- Forecasting Error Variance Decomposition

2- IM Put Is Response Functions

می‌دهد. این روش اثر یک شوک مشخص روی سطح هر متغیر را نشان داده و ترسیم می‌نماید. یک عکس‌العمل (آنی) مولفه‌های مربوط به متغیرهای درون‌زا را به شوک‌هایی با جهش‌هایی قابل تعریف با متغیرهای خاص، تفکیک می‌کند. بنابراین تاثیر متغیرها در جهش‌هایی به اندازه یک انحراف معیار، شوک‌های روی مقادیر جاری و آینده متغیرهای درون‌زا را مشخص می‌کند.

اما دو روش گفته شده در بالا براساس اینکه کدام یک از متغیرها مقدم و کدام یک موخر باشد، نتایج متفاوتی به دست می‌دهد. در اینجا ترتیب متغیرها، براساس فروض تئوریک و تجربی و نتایج علمی حاصل از رگرسیون‌های سری زمانی و بزرگی هر یک از پایه‌های مالیاتی و Granger Causality Test طرح‌ریزی شده که نتایج این تست در جدول شماره ۵ آمده است.

پس از تخمین مدل، دو جدول اصلی خواهیم داشت که براساس تعاریف بالا، هر یک واریانس خطای پیش‌بینی و عکس‌العمل‌های آنی را نشان می‌دهد. برای این منظور، متغیرهایی که به آنها شوک وارد می‌شود، یعنی؛ پنج متغیر مالیات، تولید ناخالص ملی، میزان واردات، جمعیت و هزینه‌های مصرفی و میزان و سهم تاثیرگذاری هر یک را بر متغیر مالیات تعیین می‌کنیم. جدول تجزیه واریانس نشان می‌دهد که متغیر تغییرات مالیاتی، بیشترین اثر را بر مالیات بر جای می‌گذارد. این مسئله چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت؛ یعنی بیش از ۵ سال، صدق می‌کند.

Variance Decomposition of DLOG (RTAX)

DLOG(RTC)	DLOG(RIM)	DLOG(GDPR)	DLOG(RTAX)	S.E.	Period
0.000000	0.000000	0.000000	100.0000	0.172805	1
0.647034	14.40769	19.61121	65.33407	0.218806	2
1.044796	12.96299	25.77726	60.21495	0.231763	3
1.785962	13.54676	25.27872	59.38856	0.234048	4
2.387361	15.70130	24.85917	57.05218	0.238804	5
2.358880	15.70342	25.15732	56.78039	0.240242	6
2.354426	15.69526	25.16392	56.78639	0.240469	7
2.385255	15.66291	25.27531	56.67653	0.240720	8
2.386142	15.66111	25.28247	56.67028	0.240734	9
2.394552	15.68038	25.27534	56.64973	0.240792	10

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در دوره دوم ۶۱/۸۳ درصد تغییرات در مالیات، توسط خود مالیات، ۲۱/۹۷ درصد تغییرات توسط تولید ناخالص ملی، ۱۱/۰۷ درصد توسط میزان تغییرات واردات، ۳/۷۳ درصد توسط تغییرات جمعیتی و ۱/۳۸ درصد ناشی از هزینه‌های مصرفی است. با حرکت در طول زمان به صورت کوتاه‌مدت (۳ تا ۵ سال بعد) ملاحظه می‌شود که از سهم اثرگذاری مالیات‌ها کاسته می‌شود، به گونه‌ای که به مرور، حدود ۵۰ درصد اثرگذاری را به خود اختصاص می‌دهد. به این ترتیب با کاسته شدن سهم مالیات، بر میزان اثرگذاری سایر متغیرهای افزوده می‌شود. برای تولید ناخالص ملی از سال سوم به بعد، سهم تا سطح ۲۸ درصد افزایش می‌یابد و این روند ادامه دارد. برای تغییرات میزان واردات در دو سال سوم و چهارم، از سهم اثرگذاری آن کاسته شده و سپس دوباره از سال پنجم به بعد به سهم آن تا میزان ۱۳ درصد افزوده می‌شود. برای تغییرات جمعیتی نیز شاهد افزایش سهم آن از ۵/۲ درصد در سال دوم تا ۶/۸۳ درصد در سال دهم هستیم. در مورد متغیر کل هزینه‌های مصرفی نیز ملاحظه می‌شود که اثر آن به مرور زیادتر می‌شود و از ۱/۶ درصد در سال سوم به ۲/۸ درصد در سال دهم می‌رسد. با نگاهی به دوره زمانی ۱۰ ساله، مشخص می‌شود که اثر متغیرهای جمعیتی، هزینه‌های مصرفی، میزان تغییرات واردات و تولید ناخالص ملی در حال افزایش بوده و از میزان تاثیرپذیری خود مالیات نیز، کاسته شده است. در رابطه با توابع عکس‌العمل آنی (IRF) سوالی که مطرح می‌شود، بدین صورت است که اثر یک تغییر ناگهانی (شوک) به اندازه یک انحراف معیار بر روی یک متغیر در طول دوره‌های مختلف چقدر است؟ در واقع این روش نشان می‌دهد که اگر یک تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در یک متغیر رخ دهد، اثر آن بر روی خود متغیر و متغیر دیگر در طول دوره‌های زمانی بعد چگونه می‌باشد. با توجه به این تعریف به نظر می‌رسد که این بخش می‌تواند ما را به شناسایی اثرات تغییرات متغیر مالیاتی بر شاخص‌های کلان اقتصادی رهنمون سازد. یعنی به طور مشخص نشان دهد که هر شوک مالیاتی چگونه، در چه جهتی و به چه میزان می‌تواند متغیرهای کلان اقتصادی

را تحت تاثیر قرار دهد.

باتوجه به اینکه دوره زمانی از بین رفتن شوک‌ها براساس جداول قبل، حدوداً ده ساله به نظر می‌رسد، لذا در اینجا نیز شوک‌ها را در دوره زمانی ده ساله مدنظر قرار می‌دهیم. شکل‌های به‌دست آمده نتایج حاصل از یک شوک، اندازه یک انحراف معیار را در مورد هر یک از متغیرها و اثرات آن، در فرایند تعدیل نشان می‌دهد.

شکل (الف) واکنش متغیر تغییرات مالیاتی را نسبت به یک شوک، به اندازه یک انحراف معیار بر خود مالیات نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این شوک، ابتدا به شدت درآمدهای مالیاتی را در جهت مثبت تحت تاثیر قرار می‌دهد، به نحوی که اثر آن تا دوره دوم باقی می‌ماند سپس یک روند کاهش دارد و پس از آن نیز به سمت تعدیل حرکت می‌کند.

شکل (ب) در مورد اثرات شوک مالیاتی بر تغییرات در تولید ناخالص ملی است. مشاهده می‌شود که اثر این شوک کمتر از خود شوک مالیاتی است، اما دوره زمانی گسترده‌تری را پوشش می‌دهد. یعنی یک شوک در میزان مالیات، منجر به تغییر در تولید ناخالص ملی می‌شود که تا دوره چهارم اثرات آن ادامه دارد. بدین ترتیب، شوک مالیاتی، اثرات گسترده‌ای تا دوره تعدیل مجدد بر تولید ناخالص ملی بر جای می‌گذارد.

شکل (ج) واکنش مالیات بر واردات را نسبت به یک شوک، به اندازه یک انحراف معیار در میزان مالیات نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اثرات شوک تا رسیدن به تعادل مجدد حدود هفت دوره به طول می‌انجامد، که این امر، نشان‌دهنده اثرگذاری گسترده واردات بر درآمدهای مالیاتی است. شکل (د) شوک به اندازه یک انحراف معیار در میزان مالیات و اثرگذاری آن در هزینه‌های مصرفی را نشان می‌دهد. در مورد هزینه‌های مصرفی، مشخص است که اثرات کم بوده و دوره زمانی حدود سه دوره را تحت تاثیر قرار می‌دهد و همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اثرگذاری آن در فاصله دوره‌های دوم و سوم بیشتر از دوره‌های اول و دوم می‌باشد.

نتیجه گیری

براساس یافته‌های این تحقیق و آنچه که عملکرد سیستم مالیاتی در ایران در داخل کشور و مقایسه با دیگر کشورها نشان می‌دهد، همچنین به دلیل عدم وجود بسترهای مناسب برای توسعه و گسترش بخش خصوصی در فعالیتهای سودآور و مولد، مالیات‌ها بخش کوچکی از درآمد دولت را شامل می‌شود و هیچ‌گاه به‌طور جدی به سیستم مالیاتی و راه‌های مناسب و بهینه اخذ آن توجه نمی‌شود. بدین ترتیب همواره مالیات، یک منبع دست‌چندم تامین درآمد برای دولت بوده‌است.

در بررسی عملکرد نظام مالیاتی، مشخص شد که رشد چشمگیر سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای عمومی دولت از سال ۱۳۵۳ به بعد، مانع از آن گردید که مالیات‌ها به‌عنوان یک شیوه مشخص و مرسوم در تامین درآمدهای دولت نقش مکفی ایفا نماید و جالب اینکه، بررسی درآمدهای نفتی و مالیات‌های اخذ شده نشان می‌دهد که با افزایش درآمد خالص نفت - بدون در نظر گرفتن آثار انکارناپذیر آن در به گردش درآوردن چرخ‌های اقتصاد - شاهد کاهش درآمد مالیات‌ها هستیم.

اثرات شوک‌های مختلف در بخش‌های کلان اقتصاد نشان می‌دهد که مالیات‌ها به شدت تحت تاثیر خود سیستم و درآمد مالیاتی در دو سال اول قرار می‌گیرد. این اثر در سال سوم کاملاً خنثی می‌شود و پس از آن، تولید ناخالص ملی، واردات، تغییرات جمعیتی و هزینه‌های کل مصرفی است که در دوره‌های طولانی‌تر اثرگذاری، به نسبت ماندگارتری از خود نشان می‌دهد. بدین منظور احساس می‌شود که وزارت امور اقتصادی و دارایی و ارگان‌های وابسته به آن و همچنین عملکرد سراسری اقتصاد باید به شیوه‌های مختلف، سعی در افزایش این درآمد داشته‌باشند. برای این منظور احتیاج به شناخت همه جانبه دستگاه مالیاتی، بهره‌گیری از سیستم‌های جدید و متداول روز دنیا، گسترش صنایع و حمایت از بخش خصوصی و عزم ملی در گریز از فروش نفت خام به‌عنوان اولین منبع درآمدی، ضروری به نظر می‌رسد.

کتابنامه:

- ۱- عظیمی، حسین. مقدمه‌ای بر ساختار و ترکیب درآمدهای مالیاتی کشور. تهران: سازمان برنامه و بودجه، انتشارات دفتر اقتصاد کلان، ۱۳۷۱.
- ۲- بررسی سهمی زمان آمار کلان کشور، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.
- ۳- «بررسی مالیات‌ها در اقتصاد ایران». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸.
- ۴- پژوهیان، جمشید. بخش عمومی (مالیات‌ها)، ۱۳۷۱.
- ۵- آرمان، بهمن. «قانون مالیات‌ها در ایران، تحولات تاریخی و چشم‌انداز». مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۷۸.
- ۶- مفتاح، مهدی. پایان‌نامه «بررسی متغیرهای اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی ایران». دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۷۹.
- ۷- روغنی زنجان، مسعود، طاهری پور، فرزاد. «تحلیل عملکرد بودجه». مجله برنامه و بودجه، شماره ۸.
- ۸- کردبچه، محمد. «بررسی درآمدهای مالیاتی در ایران». مجله برنامه و بودجه، شماره ۶.
- ۹- پروین، سهیلا، پیرو، علی‌اصغر. «برآورد پایه‌های مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از جدول داده و ستانده». مجله برنامه و بودجه، شماره ۵۱.
- ۱۰- صیامی، سیما. «ارزیابی نظام مالیاتی کشور با تاکید بر بخش صنعت». مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۴.
- ۱۱- «اشتهای مالیاتی». ماهنامه اقتصادی و مالی و بین‌المللی، شماره ۲۱.
- ۱۲- «بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی». مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳.
- ۱۳- فهیم یحیایی، فریبا. «برآورد ظرفیت مالیاتی». پایان‌نامه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- 14- Government Finance Statistics, *IMF*, 1996.
- 15- World Development Report, *World Bank*, 1997.

Pairwise Granger Causality Tests			
Date: 03/18/02 Time: 09:19			
Sample: 1338 1380			
Lags: 2			
Null Hypothesis:	Obs	F-Statistic	Probability
LRIM does not Granger Cause LRTC LRTC does not Granger Cause LRIM	39	1.49182 0.07635	0.23932 0.92665
LGDPGR does not Granger Cause LRTC LRTC does not Granger Cause LGDPGR	39	4.75835 1.18270	0.01507 0.31874
LRTAX does not Granger Cause LRTC LRTC does not Granger Cause LRTAX	39	0.10416 6.88885	0.90136 0.00308
LGDPGR does not Granger Cause LRIM LRIM does not Granger Cause LGDPGR	39	0.08032 3.05911	0.92299 0.06003
LRTAX does not Granger Cause LRIM LRIM does not Granger Cause LRTAX	39	1.24247 8.25480	0.30144 0.00120
LRTAX does not Granger Cause LGDPGR LGDPGR does not Granger Cause LRTAX	39	2.94171 3.91106	0.06632 0.02960